



پروژه جادوگر بلر The Blair Witch Project

ترجمه مینا رضاپور

پروژه جادوگر بلر مستندی را درون مستندی دیگر به نمایش می‌گذارد. کارگردان هیتر دوناهو Heather Donahue - دانشجوی فیلمسازی کالج مونتگمری - تصمیم می‌گیرد افسانه جادوگر بلر - شخصیتی اسطوره‌ای را که از قرن هجدهم در جنگ بلک هیلز Black Hills مری‌لند زندگی می‌کند و قتل‌های وحشیانه زیادی را به او نسبت می‌دهند - به تصویر بکشد. او در این راه یک فیلمبردار جاشوا لئونارد Joshua Leonard و یک صدابردار، مایکل ویلیامز Michael Williams او را همراهی می‌کنند. هیتر علاوه بر ساختن فیلم مستند سیاه و سفید ۱۶ میلیمتری، پشت صحنه فیلم را که بر ویدئوی Hight S ضبط می‌شود، نیز کارگردانی می‌کند و بدین ترتیب «پروژه جادوگر بلر» ساخته می‌شود. نخستین تصاویری که می‌بینیم گروهی از دانشجویان معمولی را نشان می‌دهد که برای یک سفر چند روزه در جنگل آماده می‌شوند. آن‌ها برای

«داستان» را به جای «واقعیت» جعل می‌کنند. همان‌طور که «پروژه جادوگر بلر» در محدوده مبهم این‌گونه دسته‌بندی‌ها قرار می‌گیرد؛ در عین حال فیلمی «ترسناک» است که تنها با نشان دادن چند قطره خون، نفس را در سینه بیننده حبس می‌کند. پروژه جادوگر بلر، نظر به این‌که اولین فیلم ادواردو سانچز Eduardo Sanchez و دانیل میریک Daniel Myrick است، فوق‌العاده عمل می‌کند. برخی معتقدند که آثاری این‌چنین جسورانه و تجربی، نمی‌تواند متعلق به کارگردانی شناخته شده باشد و این فیلم مملو از نکات غریبی است که این نظر را تقویت می‌کند. تجربه دیدن فیلم از سویی دلخراش است چون شاهد تحلیل رفتن شخصیت‌هایی کاملاً حقیقی هستیم که در دامی منحوس و نامعلوم گرفتار می‌آیند. و از سوی دیگر، درگیری هرچه بیشتر بیننده با این شخصیت‌های باورپذیر روند خزش‌وار داستان، را فریبنده می‌سازد.

در اکتبر ۱۹۹۴، سه دانشجوی فیلمساز در جنگل‌های نزدیک برکیتس‌ویل Burkittsville در مری‌لند Maryland ناپدید شدند. آن‌ها برای ساختن یک فیلم مستند به آن‌جا رفته بودند. یک‌سال بعد، فقط فیلم آن‌ها پیدا شد. فیلم با این ضربه هولناک آغاز می‌شود و در جهت تحقق وعده این مقدمه نامعمول پیش می‌رود. این فیلم هیاهوی عظیمی در فستیوال Sundance به پا کرد. شاید به این دلیل که: غیرمعمول‌ترین، تکان‌دهنده‌ترین و حیرت‌آورترین فیلمی بود که در آن‌جا به نمایش درآمد. در سال‌های اخیر دگرگونی دراماتیک در فیلم‌هایی که به فرامستند Meta-documentary موسومند، پدید آمده است. این دسته با عنوان‌هایی نظیر Forgotten, Unmade Beds-Dadetown, Silver و 20 Dates به سبک و سیاق برنامه رادیویی اورسن ولز به نام «جنگ دنیاها» به شیوه‌ی جالب،

دوربین ادا درمی‌آورند، مزه می‌پراندند و بعد به خرید غذا می‌روند، سپس رهسپار گورستانی می‌شوند که هیتر در آنجا بخشی از افسانه «بلر» را نقل می‌کند. از آنجا، به منظور مصاحبه با بومیان درباره جادوگر - یکی از آن‌ها مدعی بوده که شیخ را دیده است - به بازگشت و بل می‌روند. و پس از آن وارد جنگل می‌شوند. در آنجا هم می‌شوند و دیگر کسی آن‌ها را نمی‌بیند. اما نوار ویدئو و فیلم به‌جامانده آن‌ها از دام هولناکی می‌گوید که هر لحظه آن‌ها را بیشتر در کام خود می‌کشید.

عنصری که «پروژه جادوگر بلر» را نامعمول می‌سازد شیوه نامتعارف آن در نمایش رخدادهاست. هر صحنه، نمای نقطه‌نظر Point of View بازیگری است که دوربین در حال ضبط را حمل می‌کند. در این حالت، قطع نماها به یکدیگر غیرمعمول و گاهی تکان‌دهنده می‌شود. برای مثال در جایی از حرکت، دوربین خاموش می‌شود و به وسیله روشن شدن دوباره آن، نماها به یکدیگر وصل می‌شوند و همین‌طور در پایان فیلم که دوربین به طرز هولناکی به زمین می‌افتد و فیلم پایان می‌پذیرد.

تعدادی از میخکوب‌کننده‌ترین سکانس‌ها در شب اتفاق می‌افتد وقتی که تاریکی همه‌جا را دربر گرفته است. برده کاملاً سیاه است و تصورات ما از آن‌چه اتفاق می‌افتد تنها متکی به سروصداهایی است که می‌شنویم. صداهایی حاکی از ترس قهرمانان که در پیش‌زمینه شنیده می‌شود و نیز سروصداهای غریبی که از دور به گوش می‌رسد. گاهی در اثر دوبدن فیلمبردار، چنان تصاویر مغشوش و نامفهومی بر پرده می‌آیند که درک آن‌چه در آنجا جریان دارد، ناممکن می‌شود. اما درک این‌که چرا این قطعات این‌گونه تأثیرگذار عمل می‌کنند مشکل نیست. آن‌ها به تصویری نیازمندند تا این تصویرهای خالی را پرکنند و آن تصویرهای خیالی که ذهن ما می‌آفریند همیشه وحشتناک‌تر از آن چیزی است که فیلمساز (حتی به کمک تکنولوژی امروز و جلوه‌های ویژه) می‌تواند در تصویر بگنجاند. و نیز این ظاهر «اتفاقی» و «غیرماهرانه» امکان حضور خیالی بیننده را فراهم می‌کند و به این ترتیب، هر چیزی را تکان‌دهنده‌تر و وحشتناک‌تر می‌کند.

سه بازیگر فیلم هیتر دوناو، مایکل ویلیامز و جاشوا لتونارد (آن‌ها از نام‌های واقعی خود استفاده

کرده‌اند) به‌خوبی از پس ایفای نقش خود برآمده‌اند. بازی آن‌ها حاوی هیچ‌گونه نمایش مهارت و «هنرمندی» و وانمودسازی نیست. اساس کار آن‌ها بر «باده‌پردازی» استوار است که خود عاملی در واقعی جلوه دادن هر چه بیشتر موقعیت‌هاست. در طول دیدن فیلم، روابط باورپذیر این شخصیت‌ها - گرچه خودشان قصد ایجاد چنین قیدی را نداشته باشند - چنان بیننده را خلع سلاح می‌کند که ناگزیر در صحنه‌هایی که هیتر در مانده اشک‌ریزان روبه دوربین از مادر خود پوزش می‌خواهد، همپای او اشک می‌ریزد.

ممکن است سپری شدن وقایع به‌نظر غریب و نامعقول برسد. در بخشی از صحنه‌های فیلم وقایع به‌کندی اتفاق می‌افتد، اما در راستای هدف فیلم معقول به‌نظر می‌رسد که کاراکترهایی سرزنده را در پیشرفت کند زمان به‌نمایش بگذارد تا بعداً روال روانی آن‌ها در کساکش موقعیت‌های سخت، باورپذیر شود. سپس سازندگان فیلم چنان هوشمندانه ریتم هیجان‌آمیز فیلم را بالا می‌برند که تقریباً تحمل موقعیت موجود ناممکن می‌شود.

فیلم برای بینندگان نکته‌سنج حاوی مواردی کم‌وبیش خام و پرداخت نشده است. نخست این‌که گروهی که قصد رفتن به عمق جنگل را دارند، معمولاً باید یک تلفن همراه با خود داشته باشند.

ممکن است سپری شدن وقایع به‌نظر غریب و نامعقول برسد

در بخشی از صحنه‌های فیلم وقایع به‌کندی

اتفاق می‌افتد، اما در راستای هدف

فیلم معقول به‌نظر می‌رسد که کاراکترهایی سرزنده را در

پیشرفت کند زمان به‌نمایش بگذارد تا

بعداً روال روانی آن‌ها در کساکش موقعیت‌های سخت،

باورپذیر شود

فرضاً در ۱۹۹۴ - سالی که وقایع اتفاق می‌افتد - تلفن همراه به گستردگی و فراگیری عظیم امروزی نبوده است، اما تصور غیرقابل دسترس بودن آن هم غیرعقلانی است. دیگری حضور همیشگی دوربین تا واپسین لحظات است. در چنان موقعیت خطیری نامعقول است که کسی تا آخرین لحظات خود را با حمل یک دوربین روشن به‌رحمت بیانندارد. هرچند این نکات ظریف و جزئی، می‌تواند کمی عقلانی بودن حوادث را مورد تردید قرار دهد ولی از سوی دیگر، پاسخی محکم و مستدل به آن‌ها گواهی بر نظام قاعده‌مند و مبتنی بر تفکر فیلم خواهد بود. به‌نظر می‌رسد نیرو و دقت سازندگان بیش از

آن‌که برای ساخت فیلم هزینه شده باشد، در راستای تبلیغات و گسترش پیش‌زمینه ذهنی مخاطب صرف شده است. سایت جهانی www.blairwitch.com فعالیت گسترده در این راستا انجام داده و حاوی مواردی چون زندگی کاراکترها، حوادث فیلم آن‌گونه که اتفاق افتاده است، کلیپ‌های خبری درباره ناپدید شدن، مصاحبه با بستگان آن‌ها، گزیده‌هایی از مجلات و اطلاعاتی در مورد تحقیق پلیس در ۱۹۹۷ که با بیان غیرفعال و غیرقابل حل بودن مورد، مسکوت گذارده شده است. باوجود چنین تبلیغات وسیعی بعید است که کسی به تماشای این فیلم برود بدون آن که آگاه باشد که هرآن‌چه در فیلم نشان داده می‌شود، واقعیت محض است. تاکنون و پیش از این هیچ فیلم ترسناکی نتوانسته چنین بلندپروازانه ادعا کند.

سانچز و میریک (کارگردانان فیلم) به‌خاطر به‌کارگیری ساختارهایی نو و مبتکرانه در فیلم‌شان، شایسته اعتبار و تقدیرند. به‌علاوه این نوگرایی بر بسیاری از آثار اخیر در ژانر وحشت سایه افکند.

اما Broad Cast فیلم جدیدی که از خط داستانی مشابهی بهره برده، چه از نظر بیان هنری و چه از لحاظ جذابیت به‌چنان آشفتگی فلاکت‌باری دچار شده که می‌تواند شاهدهی پر خلاقیت و توانایی سانچز و میریک باشد.

و شما اگر قصد دارید که در آینده‌ی نزدیک به مسافرتی شبانه بروید از دیدن این فیلم صرف‌نظر کنید. چون هر بار که خورشید غروب می‌کند و جیرجیرک‌ها در زیر بوته‌های کوچک بیشه سرود خود را سر می‌دهند، تصاویر «پروژه جادوگر بلر» به‌ذهن می‌چهند و آرامش را به سکوتی مخوف مبدل می‌کنند.

□